



ریمسکی کورسا کف

نیکلا آندره یوپیچ ریمسکی کورسا کف در ششم ماه مارس ۱۸۴۴ در شهر تیخوین (ایالت نووگورد) بدنیا آمد و در هشتم ژوئن ۱۹۰۸ در پترزبورگ از دنیا رفت.

ریمسکی کورسا کف از بچگی میل زیادی به موسیقی داشت. پدر و مادر او هم بامیل او مخالفتی نداشتند چنانکه همان هنگام که بدانشکده دریا نوردی میرفت به تحصیلات موسیقی خود هم ادامه میداد. ^{کاملاً} مطالعات ^{شانی} موسیقی در آن زمان چند نفر از ^{موسیقی} دانه‌های ^{روشنی} عقیده داشتند که موسیقی روس باید دبستانی مخصوص بخود داشته باشد.

دو نفر موسیقی دان یکی گلینکا (Glinka) و دیگری دارگومیجسکی (Dargomyjski) در ترویج آن کوشش نمودند.

گلینکا چند ماه پیش از مرگ خود بچوانی موسوم به میلی بالا کیرف (Mili Balakireff) برخورد کرد که در فن موسیقی استعداد فوق‌العاده داشت و بعلاوه با او هم عقیده بود.

از این ملاقات گلینکا بسیار خوشوقت شد و عقاید و امید و آریه‌های خود را

با آن جوان بیان کرد و امیدوار شد که بعد از او جوانی مانند بالا کیرف از عقاید او دفاع خواهد کرد .

چندی بعد بالا کیرف جوان دیگری را بنام سزار کوئی (Cesar Cui) ملاقات نمود و مدتی بعد سه نفر دیگر با آنها اضافه شدند یعنی موسورگسکی - (Moussorgski) - بورودین (Borodine) - ریمسکی کورساکف (Rimsky Korsakoff) این پنج نفر که بعداً بنام «انجمن پنج نفری» معروف شدند بکمال یکدیگر مشغول کار گردیدند و برای پیشرفت عقاید خود راجع به موسیقی بسیار کوشش کردند .



در تاریخ موسیقی این سالهای اخیر روسیه معلوم است که این پنج نفر چه زحماتی کشیدند و چه قسم بدنی ثابت کرده‌اند که عقاید آنها راجع به موسیقی کشور خود درست بوده .

گرچه ریمسکی کورساکف از چهار نفر دوست خود خردسال تر بود ولی از آنها در علم موسیقی عالم تر بود و با مطالعه فرنگی روزی بالا کیرف را ملاقات نمود و از همان روز اول زیر نفوذ او قرار گرفت بیشتر بمنزل او میرفت و این خود باعث ازدیاد علاقه او به موسیقی میشد . بالا کیرف بسیار خوب پیانو مینواخت و دوستان خود را با آثار موسیقی استادان این فن آشنا میکرد و عقیده داشت که فرا گرفتن اصول و قواعد علم موسیقی تا درجات عالی لزومی ندارد و همان استعداد شخص برای رسیدن بمقصود کافیهست با وجود این ریمسکی کورساکف سالهای زیاد زیر این نفوذ ماند و تألیفات زیادی در موسیقی بوجود آورد .

ولی سر انجام روزی پی برد که تحصیلات او ناقص است و بدون اصول و

قواعد محکم نمی‌تواند آنچه از مغز و قلب خود تراوش می‌کند بروی کاغذ بیاورد و دانست که گرچه اولین شرط برای يك موسیقی‌دان بدون شك همان استعداد فطری میباشد ولی باید وسیله علمی در دسترس این استعداد گذارد تا موسیقی قدرت دریافت های خود را بعالم بنمایاند باین جهت ریمسکی کورسا کف بخیال رفع نواقص علمی خود افتاد و بعد از آنکه سالها برای فرا گرفتن اصول و قواعد این فن زحمت کشید روزی احساس نمود که باندازه کافی تحصیل نموده است . سپس به تحصیلات خود خاتمه داد .

از این ببعد دیگر وقت خود را بکلی صرف موسیقی نمود و چه در موسیقی اپرا و چه در موسیقی سمفونیک و چه در رشته های دیگر این فن مهارت زیادی بخرج داد . و بسیار تألیفات نمود و تمام را از افسانه های توده Folklor کشور خود گرفته است .



ریمسکی کورسا کف کتاب بسیار مهمی راجع بقوانین ارکستراسیون - (Orchestration) نوشته است که در این موضوع از بهترین کتابها میباشد . هر کسی به تألیفات موسیقی این مرد آشنا میباشد دریافته که تا چه اندازه رنگ آمیزیهای ارکستری او گوناگون میباشد و تا چه حد بدرجات عالی رسیده است . برای عده زیادی از مصنفین موسیقی ، ارکستر فقط وسیله میباشد که بتوسط آن آهنگهای موسیقی خودشان را بگوش شنونده برسانند در صورتیکه برای ریمسکی کورسا کف ارکستر فقط وسیله تنهائست بلکه تمام سعی و کوشش خود را صرف آن نموده که اصوات زیبائی را باهم ترکیب نماید تا صدای آنها را هر چه زیباتر بگوشها برساند .

باین دلیل در کتاب معروف ارکستراسیون (Orchestration) خود

قواعد بسیار مفیدی دارد که بعقیده من هر مصنف موسیقی وظیفه دارد با دقت تحصیل نماید.

شاید روزی در همین مجله از بعضی از این قواعد صحبت کنم ولی حالا فقط مقصود آن بود که این کتاب را معرفی نمایم.



یکی از آثار مشهور این منصف موسیقی يك سوئیت سمفونيك (Suite symphonique) موسوم به «شهرزاد» میباشد که همان موضوع هزار و يك شب است. باین قرار: سلطان شهریار که به بیوفائی زنهای عقیده داشت تصمیم گرفته بود هر يك از آنها که باو تعلق داشت بعد از شب اول بقتل برساند یکی از زنهای او بنام شهرزاد برای نجات جان خود حکایت‌های گوناگون برای سلطان شهریار نقل میکرد و آنها را ناتمام میگذازد تا شب بعد تمام نماید و باین طریق کنجکاوای سلطان را تحريك نموده تا بالاخره بعد از هزار و يك شب سلطان از تصمیم خود منصرف شد.

باید متوجه بود که منظور ریتمیک کورساکف از نوشتن این سوئیت سمفونيك شرح چند قطعه مشخص از هزار و يك شب نیست بلکه میخواهد حالت محیط این قصه‌ها را در شنونده موسیقی خود تولید کند. حال یکی از چهار قسمت این سوئیت سمفونيك را تجزیه مینمایم.

تم (Thème) شماره (۱) که توسط ارکستر نواخته میشود سلطان شهریار را با عزم و اراده موحد خود مجسم میکند.

همانطور که ملاحظه میشود بعد از چهار میزان اول يك میزان سکوت و بعد از آن میزان دیگری موسیقی و باز يك میزان سکوت مقصود تأکید تصمیم سلطان شهریار است.

Largo e maestoso
♩ = 48

Handwritten musical score for piano, measures 1-4. The score is in 2/2 time with a key signature of one sharp (F#). It features a bass clef and includes markings for *ff Pesante*, *tr*, and *mf*. The first two measures are marked *ff Pesante* and the last two *mf*. There are triplets and trills indicated.

بعد از سکوت دومی بیک رشته آکوردهای (accords) (۲) بسیار ملایم و زیبا بر میخوریم منظور از این آکورد های ملایم و ظریف که کاملاً نقطه مقابل

ژورنال علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۱

Handwritten musical score for piano, measures 5-8. The score is in 2/2 time with a key signature of one sharp (F#). It features a treble clef and includes markings for *pp*. The notes are mostly whole notes and half notes.

تم (Thème) سلطان شهریار میباشد مجسم کردن شهرزاد میباشد.

بعد از معرفی این دو شخص سازنده تم (Thème) دیگری را بگوش

میرساند (۳) این (Thème) بمنزله همان « یکی بود یکی نبود » حکایت های

۲۱

خودمان میباشد که در اول قصه قرار میگیرد و همچنین شهرزاد را در حالت حکایت کردن نشان میدهد.

بخش اول این «سویت سمفونیک» معروف بحکایت «سندباد ملاح» است آنچه را که ویلونسلها و آلتوها در قسمت آکومپانیمان مینوازند حرکت امواج دریا را مجسم مینماید (۴)

۲۲

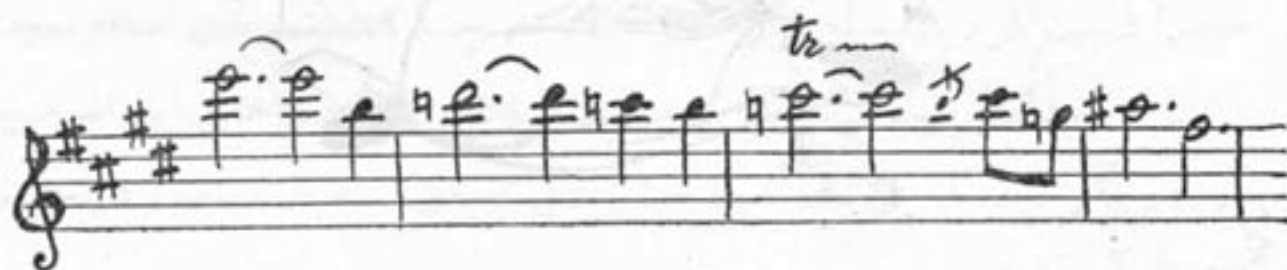
با این آکومپانیمان تم (Thème) شماره (۱) یعنی آنکه سلطان را مجسم مینماید نواخته میشود و چیزی که جالب توجه است تصاعد (Progression) این (Thème) میباشد که چه نوع سلطان بیش از پیش بگوش دادن قصه شهرزاد مایل است و چه قسم بالاخره فریفته حکایات او میشود.

۵



مقصود از تصاعد در اینجا همان بالا رفتن تدریجی تم (Thème) سلطان شهریار (۱) میباشد قدری دورتر در اواخر این تصاعد دوباره بر میخوریم به Thème شماره (۱) مربوط بسلطان که بیش از پیش مجذوب حکایت شده است و Thème (۳) مربوط بحکایت گفتن شهر زاد. سپس سازنده توسط تصاعد جدیدی از همان (Thème) نمره (۱) که قسمت هائی از Thème شماره (۳) هم بآن اضافه شده از نو سلطان را مجسم مینماید که چه اندازه علاقمند بحکایات شهر زاد میباشد. در اواخر بخش اول این سویت سمفونیک همان Thème مربوط بسلطان شهریار با یکی از ملایم ترین استیلهای موسیقی یعنی « نی » (Flute) نواخته

۶



میشود و این نشان میدهد که قصه شهر زاد سلطان را چنان شیفته است که خشونت و تصمیم او را از بین برده و بمنظور آنکه بدنباله قصه در شب آینده پی ببرد موقتاً از کشتن شهر زاد صرفنظر مینماید.

این بودیک تجزیه ساده و مختصر از قسمت اول شهرزاد سویت سمفنیك
ریمسکی کورساکف

امید وارم که در آینده این شاهکار را با جزئیات بیشتری بشناسانم.

پرویز محمود

